

بررسی تجربی پیامدها و چالش‌های اجرای آزمایشی قانون مالیات بر ارزش افزوده (VAT) در نظام مالیاتی ایران

*فاطمه بابائی^۱، حسین جهانگیری کلوری^۲، فاطمه پیکانی^۳

۱. مربی گروه حسابداری دانشگاه پیام نور.

۲. کارشناس ارشد حسابداری و مدرس دانشگاه تهران.

۳. کارشناس ارشد حسابداری.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۸/۸ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۱۱/۱۵

The Empirical Study of the Implications and Challenges of the Pilot Implementation of the Value-Added Tax (VAT) in Iran Tax System

*F. Babaei¹, H. Jahangiri Kolouri², F. Peykani³

1. Lecturer Department of Accounting, Payame Noor University (PNU), Iran.

2. M.A. in Accounting, Auditor of Tehran Province, Iran.

3. M.A. in Accounting, Iran.

Received: 2016/10/29 Accepted: 2017/2/3

Abstract

The aim of this study is to investigate the implications and challenges of the pilot implementation of the Value-Added Tax (VAT) in the Tax System in Iran. This study is a descriptive survey. The research hypothesis is based on the Likert scale questionnaire was designed. The required data were collected via questioners distributed among 105 employees of Taxation Affairs Organization. The gathered data was summarized and classified using Excel. Then, the research hypotheses were examined via SPSS software and parametric t-tests. The results indicate that the implementation of VAT influenced the economic performance of the government to a great extent. In addition, the findings of this study show that there are numerous challenges in the course of implementing VAT, which affect the way this law is executed. Since it was found that the implementation of VAT exerted a positive influence on the government's performance, it is essential for the authorities to come up with some efficient policy to overcome the challenges facing the implementation of VAT and to boost the efficiency and productivity of this system.

چکیده

هدف پژوهش حاضر، بررسی تجربی پیامدهای اجرای آزمایشی قانون مالیات بر ارزش افزوده در نظام مالیاتی ایران می‌باشد. پژوهش حاضر از نوع توصیفی پیمایشی می‌باشد. فرضیه‌های پژوهش بر اساس پرسشنامه‌ای با طیف لیکرت طراحی شد و بین ۱۰۵ نفر از کارکنان سازمان امور مالیاتی به طور تصادفی ساده و بدون جایگزینی توزیع گردید. اطلاعات استخراج شده از طریق اکسل تلخیص و طبقه‌بندی گردیده و در نهایت از طریق نرم‌افزار SPSS و با استفاده از آزمون‌های آماری پارامتریک t فرضیات پژوهش مورد بررسی قرار می‌گیرد. نتایج حاصل نشان می‌دهد که اجرای قانون مالیات بر ارزش افزوده تا حدود زیادی بر عملکرد اقتصادی دولت تأثیرگذار است. علاوه بر این، یافته‌های این پژوهش مؤید این است که چالش‌های متعددی در مسیر اجرای قانون مالیات بر ارزش افزوده وجود دارد، که بر نحوه اجرای آن تأثیرگذار است. از آنجا که اجرای قانون مالیات بر ارزش افزوده تأثیر مطلوبی بر عملکرد دولت دارد، بایستی تدابیر و تمهیدات لازم جهت مدیریت چالش‌های پیش روی اجرای قانون مالیات بر ارزش افزوده و افزایش کارایی و بهره‌وری این سیستم توسط مسئولان ذیربط اندیشیده شود.

Keywords: Value-Added Tax (VAT), Government's Economic Performance, Challenges of VAT System.

واژه‌های کلیدی: چالش‌های سیستم مالیات بر ارزش افزوده، عملکرد اقتصادی دولت، مالیات بر ارزش افزوده.

JEL Classification: H61

طبقه‌بندی موضوعی: H61

مقدمه

مالیات بر ارزش افزوده^۱ نوعی مالیات غیرمستقیم بر مصرف است که در کشورهای توسعه یافته یکی از مؤثرترین ابزارهای افزایش بودجه عمومی دولت‌ها به حساب می‌آید (بوتزر و بارینجر^۲، ۲۰۰۵).

در طول دهه اخیر مالیات بر ارزش افزوده مهم‌ترین نوآوری و توسعه در نظام مالیاتی دولت‌ها تلقی می‌شود و برنامه‌ریزی برای کاربرد آن به سرعت در سراسر جهان در حال افزایش است. حامیان اجرای سیستم مالیات بر ارزش افزوده بر این باورند که مالیات بر ارزش افزوده همانند یک ماشین مولد پول است که به تدریج باعث افزایش بهره‌وری سیستم مالیاتی، مبلغ کلی مالیات اخذ شده و در نتیجه افزایش درآمدهای دولت می‌شود (کین و لک و وود^۳، ۲۰۱۰).

مالیات بر ارزش افزوده نوعی مالیات چند مرحله‌ای است که در مراحل مختلف زنجیره تولید- توزیع بر اساس درصدی از ارزش افزوده کالاهای تولید شده و یا خدمات ارائه شده اخذ می‌گردد. پایه مالیاتی در این مالیات، مصرف بوده و این نوع از نظام مالیاتی دارای قابلیت‌های قابل توجهی مانند شفاف‌سازی فرایندها و معاملات اقتصادی، ایجاد بانک‌های جامع اطلاعات اقتصادی، تقویت سیستم‌های نظارتی در مراحل مختلف واردات، صادرات، تولید، توزیع کالاها و خدمات و همچنین مصرف، کاهش بار مالیاتی تولید، بالا بردن انگیزه صادرات و... است (روزبه و همکاران، ۱۳۹۳).

در ایران سال‌ها پس از استقرار نظام مالیاتی به دلیل وابستگی زیاد اقتصاد کشور به تابعی همچون درآمدهای نفتی نوسان‌های شدید قیمت آن، که منجر به کسری تراز پرداخت‌ها گردیده است، هم تورم شدید ناشی از استقراض بانک مرکزی را به دنبال داشته و هم ناکارایی سیستم مالیاتی را بیش از پیش آشکار نموده است. لذا برای رفع این نواقص که از موانع رشد اقتصادی به شمار می‌آیند ایجاد و اعمال روش‌هایی جهت بالا بردن منابع درآمدی دولت و بهبود سازوکار نظام مالیاتی به‌عنوان یکی از این منابع درآمدی ضروری است. مالیات بر ارزش افزوده یکی از انواع مالیات‌هایی است که می‌توان از آن به‌عنوان یک منبع درآمد قابل اطمینان استفاده کرد (اسدزاده و همکاران، ۱۳۹۳).

هدف پژوهش حاضر این است که با دیدی تحلیلی به بررسی اجرای آزمایشی قانون مالیات بر ارزش افزوده شامل بررسی عملکرد سیستم مالیات بر ارزش افزوده در سال‌های

اجرای آزمایشی و چالش‌های پیش روی آن طی این سال‌ها پردازد.

مبانی نظری پژوهش

مالیات یکی از مهم‌ترین منابع تأمین مالی دولت است و شامل پرداخت‌هایی است که از جانب دولت بر افراد و سازمان‌ها تحمیل می‌شود. آدام اسمیت^۴ (۱۷۷۶)، در کتاب "ثروت ملل" ۴ اصل در ارتباط با وضع مالیات مطرح می‌کند که عبارتند از:

- در حکومت‌های مختلف افراد بایستی متناسب با استطاعت مالی خود مبالغی را در جهت حمایت از دولت پرداخت نمایند؛

- مبلغ مالیات باید مشخص باشد و امور مربوط به مالیات به دلخواه مأمورین وصول مالیات واگذار نشود، از اعمال فشار نیز برای وصول مالیات خودداری شود؛

- مالیات بایستی در زمانی اخذ شود که پرداخت کننده توانایی پرداخت آن را دارد؛

- ادارات مالیاتی از بهره‌وری کافی برخوردار باشند. لمبرت^۵ (۱۹۹۲)، اصول آدام اسمیت را با بیان ۱۶ اصل جدید در فرایند وضع مالیات ارتقا بخشید که این اصول عبارت بودند از:

۱. سادگی باید عنصر لاینفک فرایند وضع مالیات باشد؛
۲. اطمینان نسبت به آنچه بایستی پرداخت شود، وجود داشته باشد؛
۳. بی‌طرفی نسبت به پرداخته‌کننده بایستی حفظ شود؛
۴. هزینه‌های وصول مالیات پایین باشد؛
۵. ذینفعان خالص از مالیات معاف باشند (اگر چه معنای ذینفع خالص مشخص نیست)؛
۶. از ستاندن مالیات مضاعف ممانعت شود؛
۷. مالیات باید از منبعی که در عمل وجود دارد اخذ گردد؛
۸. پرداخت‌کننده باید توانایی پرداخت مالیات را داشته باشد؛
۹. مالیات پرداختی نباید تحت تأثیر شرایط مختلف تغییر کند؛
۱۰. مالیات باید بر مبنای قدرت اقتصادی و نه شکل قانونی باشد؛
۱۱. اساس مالیات باید واقع‌بینانه باشد؛
۱۲. پرداخت‌کننده بایستی بتواند به راحتی آن را پرداخت نماید؛

1. Value Added Tax (VAT)
2. Boeters & Bohringer
3. Keen & Lockwood

4. Smith
5. Lambert

افزوده به زودی در سراسر جهان گسترش می‌یابد. این محققان علت اصلی این رشد سریع را تصویب قانون مالیات بر ارزش افزوده در اتحادیه اروپا قلمداد نمودند. دلیل دیگر را به ترویج قانون مالیات بر ارزش افزوده توسط صندوق بین‌المللی پول نسبت دادند. به نظر برد و جندرن حمایت پیوسته از قانون مالیات بر ارزش افزوده توسط صندوق بین‌المللی پول و سایر کشورها پذیرش این قانون را توسط کشورهای در حال توسعه تشویق و تسهیل نمود.

اجرای سیستم مالیات بر ارزش افزوده شفاف‌سازی معاملات و مبادلات اقتصادی را در پی خواهد داشت. به طوری که با اجرای این قانون امکان ردیابی معاملات در زنجیره واردات، خرید، تولید و توزیع و صادرات میسر خواهد بود که خود منجر به کشف بخش قابل ملاحظه‌ای از اقتصاد زیر زمینی یا پنهان می‌شود. از دیگر مزایای اجرای قانون مالیات بر ارزش افزوده این است که اندازه‌گیری صحیح رشد اقتصادی را امکان‌پذیر می‌کند (چارلز و مک کلور^{۱۰}، ۲۰۰۵).

پیشینه پژوهش

گیلجت^{۱۱} (۲۰۰۳)، به بررسی اثرات تغییر در سیستم مالیات بر ارزش افزوده بر تحقق الزامات الحاق به اتحادیه اروپا پرداخت. وی برای شبیه‌سازی اثرات مالیات بر ارزش افزوده بر قیمت از مدل تعادل عمومی در اقتصاد ترکیه استفاده کرد. نتایج این پژوهش نشان داد که تغییرات نرخ این مالیات تأثیر اندکی در بخش مصرفی دارد. در حالی که در بخش‌های تولیدی تغییرات نرخ مالیات بر ارزش افزوده تأثیر منجر به افزایش سطح قیمت‌ها می‌شود.

بوترز و بارینجر (۲۰۰۵)، به مطالعه آثار اقتصادی مالیات بر ارزش افزوده در آلمان پرداختند. نتایج پژوهش این محققان نشان داد که لغو تمایز مالیات بر ارزش افزوده دارای اثرات توزیع مجدد قابل اغمازی است. در مقابل، کاهش آن به‌عنوان یارانه صنعت خاص عمل می‌کند. در حالی که اثرات کلی رفاه اصلاحات مالیات بر ارزش افزوده خالص بسیار ناچیز است. علاوه بر این، در صورتی که معرفی این مالیات موجب ایجاد درآمد خنثی شود، با کاهش در نرخ مالیات بر درآمد همراه خواهد بود که می‌تواند در نهایت با ایجاد سود قابل توجه برای خانوارها زمینه افزایش رفاه آن‌ها را فراهم آورد.

اولابی و اکو^{۱۲} (۲۰۱۱)، به ارزیابی نقش مالیات بر ارزش افزوده در توسعه ایالت لاگوس پرداختند. نتایج این پژوهش

۱۳. پرداخت‌کننده باید مشاوره‌های لازم را جهت پرداخت مالیات دریافت کند؛

۱۴. مالیات اجباری است ولیکن دریافت جریمه جایز نیست؛

۱۵. احتیاط در فرایند وضع مالیات مجاز نیست؛

۱۶. مالیات اجباری است و بین زمان پرداخت مالیات و مزایایی که پرداخت‌کننده از دولت دریافت می‌کند، انطباق زمانی وجود ندارد.

مالیات‌ها نیز طی سالیان مختلف از طریق سیستم‌ها و روش‌های مختلف به‌وسیله دولت‌ها دریافت شده است. یکی از مالیات‌هایی که طی قرن بیستم در بین کشورها رواج یافته است، مالیات بر ارزش افزوده است. این مالیات به‌عنوان پایه جدید مالیاتی، یکی از کاراترین منبع تأمین مالی دولت‌ها در اقتصاد کنونی است که نقش به‌سزایی در افزایش درآمدهای دولت‌ها دارد. از زمانی که این مالیات در سال ۱۹۵۴ در فرانسه معرفی شد، به تدریج در بسیاری از کشورهای جهان مورد پذیرش واقع شد و مفهوم آن در طول سه دهه اخیر در کشورهای در حال توسعه مطرح شده است. زیمنس نخستین فردی بود که پس از مونیخ از قانون مالیات بر ارزش افزوده حمایت کرد.

لاورنیز^۶ (۱۹۵۴)، از قانون مالیات بر ارزش افزوده در فرانسه حمایت کرد. آن‌ها معتقد بودند که این قانون بهتر از مالیات بر فروش است، که قاچاق و تقلب را افزایش می‌دهد. در تعریف اصطلاح مالیات بر ارزش افزوده، ارزش افزوده را تفاوت بین ارزش کالاها و خدمات عرضه شده با ارزش کالاها و خدمات خریداری شده یک شخص در یک دوره معین تعریف می‌کنند. با توجه به تعریف مذکور، مالیات بر ارزش افزوده نوعی مالیات چند مرحله‌ای است که در مراحل مختلف زنجیره تولید و یا خدمات ارائه شده اخذ می‌گردد. این مالیات در واقع نوعی مالیات بر فروش چند مرحله‌ای است که خرید کالاها و خدمات واسطه‌ای را از پرداخت مالیات معاف می‌کند.

جاننشر^۷ (۱۹۸۶)، در اهمیت مالیات بر ارزش افزوده بیان می‌کند که در طول دهه ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ بسیاری از کشورهای در حال توسعه به وضع قانون مالیات بر ارزش افزوده به‌عنوان بخشی از ساختار مالی خود اقدام نمودند که این قانون را می‌توان به‌عنوان مهم‌ترین نوآوری در سیستم مالیاتی این کشورها تلقی نمود (امانوئل^۸، ۲۰۱۳).

برد و جندرن^۹ (۲۰۰۶)، اذعان نمودند که مالیات بر ارزش

10. Charles & McClure
11. GillJet
12. Owolabi & Okwu

6. Lowerneez
7. Jantcher
8. Emmanuel
9. Bird & Gendron

مالیاتی (تبعیض بین مؤدیان با وضعیت مشابه)، "ناتوانی تکنولوژیکی در شناسایی و ثبت مؤدیان مالیاتی" است. همچنین بیشترین میانگین نمره پاسخ از نظر مؤدیان مربوط به سؤالات "ناکافی بودن سیستم اطلاع‌رسانی و آموزش به مؤدیان"، "عدم توانایی در برقراری عدالت مالیات (تبعیض بین مؤدیان با وضعیت مشابه)" و "تشریفات بیش از حد در انجام تکالیف قانونی توسط مؤدیان" می‌باشد.

عبدی (۱۳۹۲)، طی پژوهشی به بررسی تأثیر اجرای قانون مالیات بر ارزش افزوده بر عملکرد شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداخت. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که اجرای این قانون بر سود عملیاتی و گردش وجه نقد شرکت‌ها بی تأثیر بوده اما بر فروش شرکت‌ها تأثیر گذار می‌باشد.

کریم‌پور و همکاران (۱۳۹۲)، طی پژوهشی به بررسی عوامل مؤثر بر استقرار نظام مالیات بر ارزش افزوده در زنجیره نهایی توزیع پرداختند. نتایج پژوهش حاکی است که بین توانمندسازی زیرساخت‌های لازم در فرآیند وصول مالیات و اجرایی شدن قانون مالیات بر ارزش افزوده در زنجیره نهایی توزیع رابطه معناداری وجود دارد و همچنین بین شفافیت‌سازی مبادلات اقتصادی و اطلاع‌رسانی صحیح و به موقع قانون مالیات بر ارزش افزوده در زنجیره نهایی توزیع رابطه مثبت و معناداری وجود دارد.

دهقان (۱۳۹۲)، به بررسی آثار مالیات بر ارزش افزوده بر درآمدهای دولت در استان کهگیلویه و بویر احمد پرداخت که نتایج پژوهش وی نشان داد که بین مالیات بر ارزش افزوده و مؤلفه‌های آن با درآمدهای دولت رابطه مثبت و معناداری وجود دارد.

روزبه و همکاران (۱۳۹۳)، به بررسی اثرات اجرای مالیات بر ارزش افزوده بر تورم در اقتصاد ایران در سال ۱۳۸۹ پرداختند. نتایج این پژوهش نشان داد که به دنبال اجرای قانون این مالیات، درآمدهای مالیاتی نیز افزایش یافته اما بر خلاف آنچه انتظار می‌رفت، نسبت مالیات به تولید ناخالص داخلی به طور نامحسوس سیر نزولی طی کرده بود و دامنه تورم ناشی از اجرای قانون مالیات بر ارزش افزوده طبق قانون مزبور بر ۵۴ بخش اقتصادی بین ۰/۰۱۱ درصد و در بخش ماهیگیری تا ۱۲/۶۷۸ درصد و در بخش نفت خام و گاز طبیعی متفاوت بود. نتایج دیگر نشان داد که کمترین اثرات قیمتی مربوط به بخش‌های معاف و بیشترین آثار قیمتی در بخش‌های ویژه با ضرایب خاص بوده است.

اسدزاده و همکاران (۱۳۹۳)، به بررسی اثرات تورمی و توزیعی مالیات بر ارزش افزوده بر بخش‌های مختلف

نشان داد که درآمد این مالیات سهم قابل توجهی در توسعه اقتصاد این ایالت در طول مدت مطالعه داشته است.

امانیول (۲۰۱۳)، تأثیر مالیات بر ارزش افزوده بر رشد اقتصادی (GDP) و کل درآمدهای مالیاتی نیجریه را مورد بررسی قرار دادند. نتایج تجزیه و تحلیل‌های آماری حاکی از این بود که این مالیات بر رشد اقتصادی (GDP) و کل درآمدهای مالیاتی تأثیر با اهمیتی دارد.

جلتا^{۱۳} (۲۰۱۴)، به بررسی نقش مالیات بر ارزش افزوده بر رشد اقتصادی اتیوپی طی سالهای ۲۰۱۲-۲۰۰۳ پرداخت. یافته‌های حاصل از این مطالعه نشان داد که این مالیات در مقایسه با مالیات بر فروش منجر به افزایش رشد اقتصادی می‌شود. نرخ رشد تولید ناخالص برای دوره‌های استفاده از مالیات بر فروش، به طور متوسط ۲/۵۳ درصد بود. با این حال پس از اعلام مالیات بر ارزش افزوده، نرخ رشد تولید ناخالص به طور متوسط به ۲۱/۹ درصد رسیده است.

جنابی و همکاران (۱۳۸۹)، به بررسی عوامل مؤثر بر اثربخشی مالیات بر ارزش افزوده با رویکرد آموزش مؤدیان مالیاتی در استان کرمانشاه پرداختند. نتایج حاصل از این پژوهش حاکی از این بود که رابطه قوی بین آموزش مؤدیان مالیاتی و اثربخشی این مالیات وجود دارد.

سعیدی و نهتانی (۱۳۹۰)، طی پژوهشی به بررسی جایگزینی مالیات بر ارزش افزوده (VAT) به جای مالیات بر درآمد شرکت‌های تولیدی پرداختند. نتایج حاصل از پژوهش نشان داد که جایگزینی این مالیات با نرخ‌های پایین ۱/۵ و ۳ درصد به جای مالیات بر درآمد شرکت‌های تولیدی، باعث کاهش درآمد مالیاتی استان‌ها خواهد شد. علاوه بر اینکه جایگزینی مالیات بر ارزش افزوده با نرخ‌های ۷ و ۱۰ درصد، به جای مالیات بر درآمد شرکت‌های باعث افزایش درآمدهای مالیاتی استان می‌شود.

الماسی و همکاران (۱۳۹۱)، "عوامل سازمانی مؤثر بر فرار از مالیات بر ارزش افزوده (مطالعه موردی: اداره کل مالیات بر ارزش افزوده استان تهران)" را مورد مطالعه قرار دادند. جامعه آماری این پژوهش را کلیه متخصصان و کارشناسان اداره کل مالیات بر ارزش افزوده استان تهران و مؤدیان مالیاتی این اداره تشکیل می‌دادند. یافته‌های حاصل از این پژوهش نشان داد که بیشترین میانگین پاسخ در بعد سازمانی از نظر متخصصان مربوط به سؤالات "عدم توانایی در کشف مبادلات و داده‌های غیرواقعی و تقلبی"، "عدم توانایی در برقراری عدالت مالیاتی"، "عدم توانایی در برقراری عدالت

فرضیه دوم

چالش‌های سیستم مالیات بر ارزش افزوده بر نحوه اجرای آن تأثیرگذار است.

فرضیه فرعی اول: آموزش کارکنان سازمانی امور

مالیاتی بر نحوه اجرای آزمایشی قانون مالیات بر ارزش افزوده تأثیرگذار است.

فرضیه فرعی دوم: درک قانون مالیات بر ارزش افزوده

بر نحوه اجرای آزمایشی این قانون تأثیرگذار است.

فرضیه فرعی سوم: آگاهی مؤدیان از سیستم مالیات بر

ارزش افزوده بر نحوه اجرای آزمایشی این قانون تأثیرگذار است.

فرضیه فرعی چهارم: ایجاد زیر ساخت‌های جدید برای

اخذ مالیات بر نحوه اجرای آزمایشی قانون مالیات بر ارزش افزوده تأثیرگذار است.

فرضیه فرعی پنجم: فرهنگ مالیاتی مؤدیان بر نحوه

اجرای آزمایشی قانون مالیات بر ارزش افزوده تأثیرگذار است.

روش شناسی پژوهش

این پژوهش از حیث هدف کاربردی می‌باشد. از آنجا که پرسشنامه عنوان ابزار اصلی پژوهش در جامعه و بین نمونه‌ها توزیع و جمع‌آوری شده است، از نوع پیمایشی می‌باشد. در این پژوهش در ابتدا از مطالعات کتابخانه‌ای جهت تعریف مفاهیم و شاخص‌ها استفاده شده و در مرحله بعد با ارائه پرسشنامه و تجزیه و تحلیل آماری آن‌ها، فرضیه‌های پژوهش مورد آزمون قرار گرفته است. جامعه آماری در این پژوهش شامل کلیه کارکنان سازمان امور مالیاتی غرب استان تهران می‌باشد که پرسشنامه‌ها در سال ۱۳۹۳ تهیه و در سال ۱۳۹۴ بین کارکنان توزیع شده است.

داده‌های پژوهش حاضر بر اساس اطلاعاتی است که از کارکنان سازمان امور مالیاتی جمع‌آوری می‌شود. ابزار گردآوری اطلاعات را در این پژوهش، پرسشنامه‌ای تشکیل می‌دهد که پس از تهیه، روایی و پایایی آن مورد تأیید قرار خواهد گرفت. شیوه کار به این صورت خواهد بود که ابتدا از طریق منابع کتابخانه‌ای، نشریات، مقالات و منابع علمی مختلف (سایت‌های علمی) ادبیات و نظریه‌های مربوط به موضوع پژوهش تدوین می‌گردد. سپس مرحله اصلی پژوهش از طریق

اقتصادی ایران پرداختند. نتایج حاصل از این بررسی نشان داد که از ۲۹ گروه اصلی محصولات (۹۱ گروه محصول فرعی)، ۱۵ گروه در نتیجه مالیات بر ارزش افزوده از افزایش قیمت بیشتری برخوردارند و ۱۴ گروه دارای آثار تنازلی می‌باشند و افزایش قیمت آن‌ها کمتر از نرخ مالیات می‌باشد.

رستم‌نژاد چراتی و نبوی چاشمی (۱۳۹۳)، در پژوهش خود به بررسی موانع اجرایی قانون مالیات بر ارزش افزوده در استان مازندران: مطالعه موردی شهرستان‌های ساری و بابلسر پرداختند. نتایج پژوهش نشان داد از نظر اعضای نمونه مورد مطالعه، متغیرهای شرایط اجتماعی، فرهنگی و عدم حمایت مردمی، انتظار تورم ناشی از اجرای قانون، شفاف‌سازی محیط اقتصادی ناشی از اجرای کامل قانون، عدم اطمینان مؤدیان به استرداد وجوه اضافه پرداختی، نرخ اجرایی قانون، ضعف اطلاع‌رسانی سازمان امور مالیاتی، کمبود منابع انسانی متخصص، پیچیدگی اجرا و نظام کنترلی موجود و فقدان بانک اطلاعاتی جامع مؤدیان مانع اجرای قانون مالیات بر ارزش افزوده در شهرستان‌های ساری و بابلسر بوده‌اند.

فرضیه‌های پژوهش

پژوهشگر در راستای پاسخگویی به سؤالات مطرح شده فرضیه‌های زیر را طراحی نموده است:

فرضیه اول

اجرای آزمایشی مالیات بر ارزش افزوده بر عملکرد اقتصادی دولت تأثیرگذار است.

فرضیه فرعی اول: اجرای آزمایشی مالیات بر ارزش

افزوده بر افزایش درآمدهای دولت تأثیرگذار است.

فرضیه فرعی دوم: درآمدهای اجرای آزمایشی مالیات بر

ارزش افزوده بیشتر از هزینه‌های آن است.

فرضیه فرعی سوم: اجرای آزمایشی مالیات بر ارزش

افزوده سبب افزایش تورم شده است.

فرضیه فرعی چهارم: اجرای آزمایشی مالیات بر ارزش

افزوده بر رشد اقتصادی تأثیرگذار است.

فرضیه فرعی پنجم: اجرای آزمایشی مالیات بر ارزش

افزوده بر بهبود تولید تأثیرگذار است.

قابلیت اعتماد ابزار اندازه‌گیری

قابلیت اعتماد که واژه‌هایی مانند پایایی، ثبات و اعتبار برای آن به کار برده می‌شود و معادل انگلیسی آن Reliability است، یکی از ویژگی‌های ابزار اندازه‌گیری (پرسشنامه یا مصاحبه یا سایر آزمون‌های علوم اجتماعی) است. مفهوم یاد شده با این امر سر و کار دارد که ابزار اندازه‌گیری در شرایط یکسان تا چه اندازه نتایج یکسانی به دست می‌دهد. یکی از روش‌های محاسبه قابلیت اعتماد استفاده از فرمول کرونباخ است. این روش برای محاسبه همبستگی درونی ابزار اندازه‌گیری از جمله پرسشنامه‌ها یا آزمون‌هایی که خصیصه‌های مختلف را اندازه‌گیری می‌کند به کار می‌رود. در این گونه ابزارها، پاسخ هر سؤال می‌تواند مقادیر عددی مختلف را اختیار کند. مقدار صفر این ضریب نشان دهنده عدم قابلیت اعتماد و +۱ نشان دهنده قابلیت اعتماد کامل است. مقدار آلفای کرونباخ در این پرسشنامه ۰/۶۷۳ می‌باشد که بیانگر قابلیت اعتماد پرسشنامه می‌باشد.

متغیرهای پژوهش

متغیر مستقل در فرضیه اول: اجرای آزمایشی مالیات بر ارزش افزوده.

متغیرهای وابسته در فرضیه اصلی اول: افزایش درآمدهای دولت، تعامل هزینه و درآمد دولت، تورم، رشد اقتصادی، بهبود تولید، شفافیت در اصفاف.

متغیرهای مستقل در فرضیه دوم: آموزش کارکنان سازمانی امور مالیاتی، درک قانون مالیات بر ارزش افزوده، آگاهی مؤدیان از سیستم مالیات بر ارزش افزوده، ایجاد زیر ساخت‌های جدید برای اخذ مالیات، فرهنگ مالیاتی مؤدیان.

متغیر وابسته در فرضیه دوم: اجرای آزمایشی مالیات بر ارزش افزوده.

آزمون فرضیات

فرضیه اول: اجرای آزمایشی مالیات بر ارزش افزوده بر عملکرد اقتصادی دولت تأثیرگذار است.

فرضیه فرعی اول: اجرای آزمایشی مالیات بر ارزش افزوده بر افزایش درآمدهای دولت تأثیرگذار است.

فراوانی پاسخ‌های دریافتی این فرضیه در جدول ۱

استخراج اطلاعات از پرسشنامه‌های توزیع شده بین کارکنان سازمان امور مالیاتی آغاز می‌گردد اطلاعات استخراج شده از طریق اکسل تلخیص و طبقه‌بندی گردیده و در نهایت از طریق نرم‌افزار SPSS و با استفاده از آزمون‌های مربوط به پرسشنامه ارتباط بین متغیرها تحلیل و فرضیه‌ها مورد بررسی قرار می‌گیرند.

جامعه و نمونه آماری

جامعه آماری در این پژوهش کارشناسان امور مالیاتی در استان تهران می‌باشد. روش نمونه‌گیری برای جامعه آماری، روش نمونه‌گیری تصادفی ساده بدون جایگزینی است به طوری که هر یک از اعضای جامعه بیش از یک بار شانس یا احتمال انتخاب شدن نداشته باشند. برای گروه‌های مورد نظر با استفاده از روش‌های علمی تعیین اندازه نمونه، حجم مناسبی از نمونه‌ها را که معرف کل جامعه باشد، انتخاب و تحقیق بر روی آن‌ها انجام گرفته است. نمونه آماری نیز کارشناسان امور مالیاتی در غرب استان تهران می‌باشد. تعداد نمونه انتخابی در این پژوهش از طریق فرمول کوکران بدون داشتن تعداد اعضای جامعه تعیین گردیده است. که در این فرمول تعداد نمونه به صورت زیر بدست می‌آید.

با توجه به عدم دسترسی به تعداد پرسنل کارشناسان امور مالیاتی یا به عبارتی عدم تشخیص اعداد افراد موجود در جامعه، تعداد نمونه از رابطه ذیل بدست می‌آید:

$$n = \frac{t^2 v(x)}{d^2}$$

$V(x)$ واریانس جامعه می‌باشد که در تحقیقات علوم انسانی بین صفر تا حداکثر ۲۵٪ می‌باشد به عبارتی $0 \leq v(x) \leq 0.25$ می‌باشد. در این پژوهش $V(x)$ یعنی واریانس جامعه به دلیل کاهش میزان خطای نمونه‌گیری حداکثری آن لحاظ و مقدار ۰/۲۵ برآورد می‌گردد، خطا نمونه‌گیری در این پژوهش $(d=0.1)$ لحاظ می‌گردد:

$$\frac{(1.96)^2 * 0.25}{(0.1)^2} = 96$$

تعداد نمونه براساس فرمول ۹۶ پاسخنامه برآورد گردید لذا به دلیل احتمال عدم برگشت برخی از پاسخنامه‌ها تعداد نمونه به ۱۰۵ پرسشنامه افزایش داده شد این پرسشنامه‌ها در سال ۱۳۹۳ تهیه و در سال ۱۳۹۴ بین کارکنان توزیع شده است. لازم به ذکر است که برای بررسی هر فرضیه تعداد ۳ سؤال در پرسشنامه در نظر گرفته شده است.

می‌باشد.

فرضیه فرعی سوم: اجرای آزمایشی مالیات بر ارزش

افزوده سبب افزایش تورم شده است.

فراوانی پاسخ‌های دریافتی این فرضیه به جدول ۵ می‌باشد.

نمودار فراوانی در این فرضیه به شرح نمودار ۳ می‌باشد. نمودار فراوانی بیانگر آن است که در حدود ۵۷/۷ درصد از پاسخ دریافتی از پاسخ‌دهندگان (۱۸۲ پاسخ از ۳۱۵ پاسخ دریافتی) موافق این موضوع هستند که اجرای آزمایشی مالیات بر ارزش افزوده سبب افزایش تورم شده است لذا برای بررسی این موضوع از روش‌های آماری به نام آزمون میانگین استفاده می‌شود. نتایج آزمون t در جدول ۶ به صورت خلاصه ارائه شده است.

از آنجا که اولاً مقادیر آماره t بدست آمده از مقادیر متناظر آن در جدول ($t_{\alpha=0.95}=1/96$) بزرگتر بوده و ثانیاً مقادیر P-Value محاسبه شده نیز کمتر از ۵ درصد سطح معناداری بوده لذا فرضیه سوم از لحاظ آماری تأیید می‌گردد یعنی هزینه‌های اجرای آزمایشی مالیات بر ارزش افزوده بیشتر از درآمدهای آن است.

فرضیه فرعی چهارم: اجرای آزمایشی مالیات بر ارزش

افزوده بر رشد اقتصادی تأثیرگذار است.

فراوانی پاسخ‌های دریافتی این فرضیه به شرح جدول ۷ می‌باشد.

نمودار فراوانی در این فرضیه به شرح نمودار ۴ می‌باشد. نمودار فراوانی بیانگر آن است که در حدود ۳۰/۲ درصد از پاسخ دریافتی از پاسخ‌دهندگان (۹۵ پاسخ از ۳۱۵ پاسخ دریافتی) موافق این موضوع هستند که اجرای آزمایشی مالیات بر ارزش افزوده بر رشد اقتصادی تأثیرگذار است. لذا برای بررسی این موضوع از روش‌های آماری به نام آزمون میانگین استفاده می‌شود. نتایج آزمون t در جدول ۸ به صورت خلاصه ارائه شده است.

از آنجا که اولاً مقادیر آماره t بدست آمده منفی بوده و از مقادیر منفی متناظر آن در جدول ($t_{\alpha=0.95}=1/96$) کوچکتر بوده و ثانیاً مقادیر P-Value محاسبه شده نیز کمتر از ۵ درصد سطح معناداری بوده نشان دهنده این است که با احتمال ۹۵ درصد میانگین پاسخ پاسخ‌دهندگان کمتر از ۳ می‌باشد لذا فرضیه چهارم از لحاظ آماری رد می‌شود یعنی اجرای آزمایشی مالیات بر ارزش افزوده بر رشد اقتصادی تأثیرگذار نیست.

فرضیه فرعی پنجم: اجرای آزمایشی مالیات بر ارزش

نمودار فراوانی در این فرضیه به شرح نمودار ۱ می‌باشد. نمودار فراوانی بیانگر آن است که در حدود ۶۱ درصد از پاسخ دریافتی از پاسخ‌دهندگان (۱۹۲ پاسخ از ۳۱۵ پاسخ دریافتی) موافق این موضوع هستند که اجرای آزمایشی مالیات بر ارزش افزوده بر افزایش درآمدهای دولت تأثیرگذار است لذا برای بررسی این موضوع از روش‌های آماری به نام آزمون میانگین استفاده می‌شود. نتایج آزمون t در جدول ذیل به صورت خلاصه ارائه شده است. از آنجا که تعداد پرسشنامه‌ها بیش از ۳۰ عدد می‌باشد لذا طبق قضیه حد مرکزی می‌توان برای آزمون فرضیه از آزمون‌های آماری پارامتریک t استیودنت استفاده نمود.

همان‌طور که جدول ۲ نشان می‌دهد، میانگین پاسخ، پاسخ‌دهندگان به میزان ۶۸/۳ می‌باشد یعنی عمده آن‌ها که در حدود ۶۱ درصد می‌باشند معتقد به این هستند که اجرای آزمایشی مالیات بر ارزش افزوده بر افزایش درآمدهای دولت تأثیرگذار است. از لحاظ آماری نیز این ادعا مورد تأیید می‌باشد زیرا اولاً مقادیر آماره t بدست آمده از مقادیر متناظر آن در جدول ($t_{\alpha=0.95}=1/96$) بزرگتر بوده ثانیاً مقادیر P-Value محاسبه شده نیز کمتر از ۵ درصد سطح معناداری بوده لذا فرضیه اول از لحاظ آماری تأیید می‌گردد.

فرضیه فرعی دوم: درآمدهای اجرای آزمایشی مالیات بر

ارزش افزوده بیشتر از هزینه‌های آن است.

فراوانی پاسخ‌های دریافتی این فرضیه به شرح جدول ۳ می‌باشد.

نمودار فراوانی در این فرضیه به شرح نمودار ۲ می‌باشد. نمودار فراوانی بیانگر آن است که در حدود ۶۲ درصد از پاسخ دریافتی از پاسخ‌دهندگان (۱۹۷ پاسخ از ۳۱۵ پاسخ دریافتی) موافق این موضوع هستند که درآمدهای اجرای آزمایشی مالیات بر ارزش افزوده بیشتر از هزینه‌های آن است لذا برای بررسی این موضوع از روش‌های آماری به نام آزمون میانگین استفاده می‌شود. نتایج آزمون t در جدول ۴ به صورت خلاصه ارائه شده است.

از آنجا که اولاً مقادیر آماره t بدست آمده از مقادیر متناظر آن در جدول ($t_{\alpha=0.95}=1/96$) بزرگتر بوده و ثانیاً مقادیر P-Value محاسبه شده نیز کمتر از ۵ درصد سطح معناداری بوده لذا فرضیه دوم از لحاظ آماری تأیید می‌گردد یعنی درآمدهای اجرای آزمایشی مالیات بر ارزش افزوده بیشتر از هزینه‌های آن است.

جدول ۱. خلاصه نتایج پرسشنامه در فرضیه فرعی اول

عامل	خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم	جمع
فراوانی	۵۹	۱۳۳	۹۲	۲۴	۷	۳۱۵
فراوانی نسبی	%۱۸.۷	%۴۲.۲	%۲۹.۲	%۷.۶	%۲.۲	%۱۰۰

جدول ۲. خروجی آزمون تی استیودنت در فرضیه اول

نتیجه گیری	مقادیر آماره t استیودنت	درجه آزادی آماره	مقادیر P-Value
میانگین بیش از ۳ می باشد	۱۲/۷۳	۳۱۴	۰/۰۰

جدول ۳. خلاصه نتایج پرسشنامه در فرضیه فرعی دوم

عامل	خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم	جمع
فراوانی	۶۵	۱۳۲	۹۳	۲۳	۲	۳۱۵
فراوانی نسبی	%۲۰.۶	%۴۱.۹	%۲۹.۵	%۷.۳	%۰.۶	%۱۰۰.۰

جدول ۴. خروجی آزمون تی استیودنت در فرضیه دوم

نتیجه گیری	مقادیر آماره t استیودنت	درجه آزادی آماره	مقادیر P-Value
میانگین بیش از ۳ می باشد	۱۴/۳۵	۳۱۴	۰/۰۰

جدول ۵. خلاصه نتایج پرسشنامه در فرضیه فرعی سوم

عامل	خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم	جمع
فراوانی	۷۷	۱۰۵	۱۰۰	۲۸	۵	۳۱۵
فراوانی نسبی	%۲۴.۴	%۳۳.۳	%۳۱.۷	%۸.۹	%۱.۶	%۱۰۰.۰

جدول ۶. خروجی آزمون تی استیودنت در فرضیه فرعی سوم

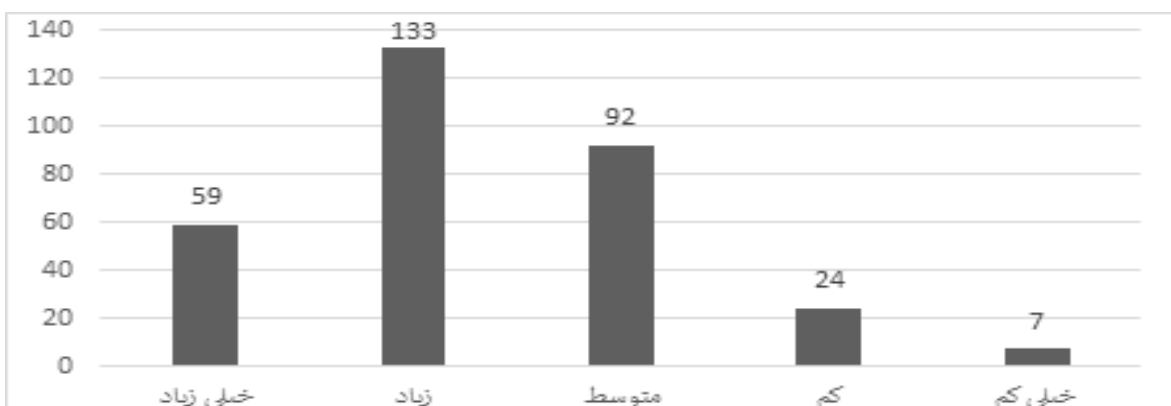
نتیجه گیری	مقادیر آماره t استیودنت	درجه آزادی آماره	مقادیر P-Value
میانگین بیش از ۳ می باشد	۱۲/۴۱	۳۱۴	۰/۰۰

جدول ۷. خلاصه نتایج پرسشنامه در فرضیه فرعی چهارم

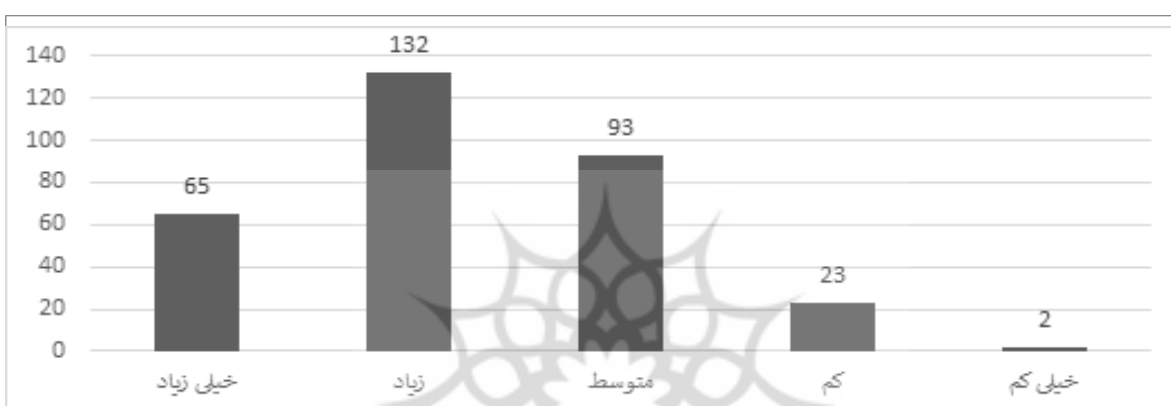
عامل	خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم	جمع
فراوانی	۲۲	۷۳	۱۰۵	۷۰	۴۵	۳۱۵
فراوانی نسبی	%۷.۰	%۲۳.۲	%۳۳.۳	%۲۲.۲	%۱۴.۲	%۱۰۰.۰

جدول ۸. خروجی آزمون تی استیودنت در فرضیه چهارم

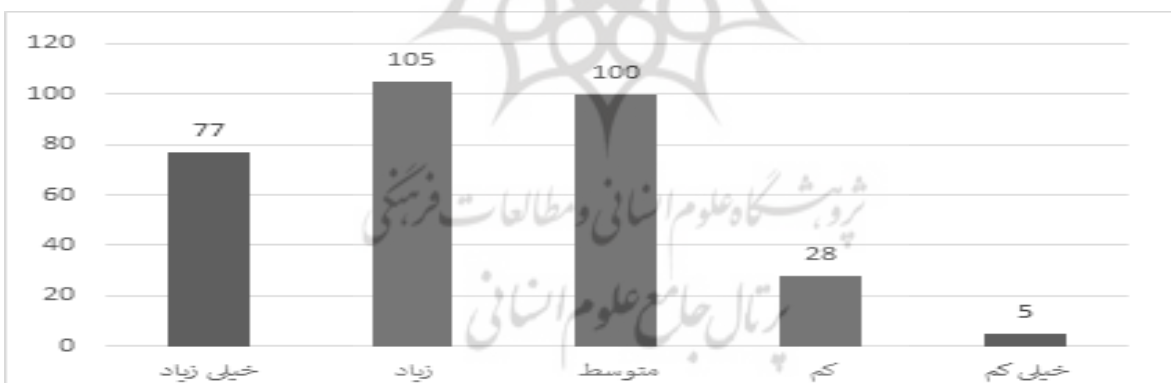
نتیجه گیری	مقادیر آماره t استیودنت	درجه آزادی آماره	مقادیر P-Value
میانگین کمتر از ۳ می باشد	-۲/۳۱۸	۳۱۴	۰/۰۲



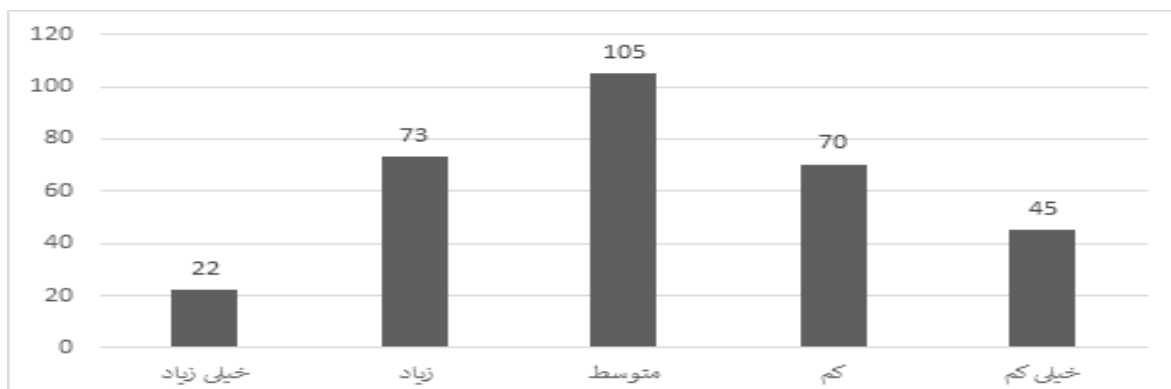
نمودار ۱. نمودار فراوانی فرضیه فرعی اول



نمودار ۲. نمودار فراوانی فرضیه فرعی دوم



نمودار ۳. نمودار فراوانی فرضیه فرعی سوم



نمودار ۴. نمودار فراوانی فرضیه فرعی چهارم

افزوده بر بهبود تولید تأثیرگذار است.

فراوانی پاسخ‌های دریافتی این فرضیه به شرح جدول ۹ می‌باشد

نمودار فراوانی در این فرضیه به شرح نمودار ۵ می‌باشد. نمودار فراوانی بیانگر آن است که در حدود ۳۷/۵ درصد از پاسخ دریافتی از پاسخ‌دهندگان (۱۱۸ پاسخ از ۳۱۵ پاسخ دریافتی) موافق این موضوع هستند که اجرای آزمایشی مالیات بر ارزش افزوده بر بهبود تولید تأثیرگذار است لذا برای بررسی این موضوع از روش‌های آماری به نام آزمون میانگین استفاده می‌شود. نتایج آزمون t در جدول ۱۰ به صورت خلاصه ارائه شده است.

از آنجاکه اولاً مقادیر آماره t بدست آمده از مقادیر متناظر آن در جدول ($t_{\alpha=0.95}=1/96$) کوچکتر بوده و ثانیاً مقادیر P-Value محاسبه شده نیز بیش از ۵ درصد سطح معناداری بوده و از طرفی مقادیر فاصله اطمینان نیز در یک سو منفی می‌باشد نشان دهنده این است که با احتمال ۹۵ درصد میانگین پاسخ، پاسخ‌دهندگان کمتر از ۳ می‌باشد لذا فرضیه پنجم از لحاظ آماری رد می‌شود یعنی اجرای آزمایشی مالیات بر ارزش افزوده بر بهبود تولید تأثیرگذار نیست.

فرضیه دوم: چالش‌های سیستم مالیات بر ارزش افزوده بر نحوه اجرای آن تأثیرگذار است.

فرضیه فرعی اول: آموزش کارکنان سازمانی امور مالیاتی افزوده بر نحوه اجرای آزمایشی قانون مالیات بر ارزش افزوده تأثیرگذار است.

فراوانی پاسخ‌های دریافتی این فرضیه به شرح جدول ۱۱ می‌باشد.

نمودار فراوانی در این فرضیه به شرح نمودار ۶ می‌باشد. نمودار فراوانی بیانگر آن است که در حدود ۷۰/۵ درصد از پاسخ‌دهندگان (۲۲۲ پاسخ از ۳۱۵ پاسخ دریافتی) از پاسخ موافق این موضوع هستند که آموزش کارکنان سازمانی امور مالیاتی افزوده بر نحوه اجرای آزمایشی قانون مالیات بر ارزش افزوده تأثیرگذار است. لذا برای بررسی این موضوع از روش‌های آماری به نام آزمون میانگین استفاده می‌شود. نتایج آزمون t در جدول ۱۲ به صورت خلاصه ارائه شده است.

از آنجاکه اولاً مقادیر آماره t بدست آمده از مقادیر متناظر آن در جدول ($t_{\alpha=0.95}=1/96$) بزرگتر بوده و ثانیاً مقادیر P-Value محاسبه شده نیز کمتر از ۵ درصد سطح معناداری بوده لذا فرضیه اول از لحاظ آماری تأیید می‌گردد یعنی آموزش کارکنان سازمانی امور مالیاتی افزوده بر نحوه

اجرای آزمایشی قانون مالیات بر ارزش افزوده تأثیرگذار است.

فرضیه فرعی دوم: درک قانون مالیات بر ارزش افزوده بر نحوه اجرای آزمایشی آن تأثیرگذار است. فراوانی پاسخ‌های دریافتی این فرضیه به شرح جدول ۱۳ می‌باشد.

نمودار فراوانی در این فرضیه به شرح نمودار ۷ می‌باشد. نمودار فراوانی بیانگر آن است که در حدود ۷۱/۱ درصد از پاسخ‌دهندگان از پاسخ‌دهندگان موافق این موضوع هستند که درک قانون مالیات بر ارزش افزوده بر نحوه اجرای آزمایشی قانون مالیات بر ارزش افزوده تأثیرگذار است. لذا برای بررسی این موضوع از روش‌های آماری به نام آزمون میانگین استفاده می‌شود. نتایج آزمون t در جدول ۱۴ به صورت خلاصه ارائه شده است.

از آنجاکه اولاً مقادیر آماره t بدست آمده از مقادیر متناظر آن در جدول ($t_{\alpha=0.95}=1/96$) بزرگتر بوده و ثانیاً مقادیر P-Value محاسبه شده نیز کمتر از ۵ درصد سطح معناداری بوده لذا فرضیه دوم از لحاظ آماری تأیید می‌گردد یعنی درک قانون مالیات بر ارزش افزوده بر نحوه اجرای آزمایشی این قانون تأثیرگذار است.

فرضیه فرعی سوم: آگاهی مؤدیان از سیستم مالیات بر ارزش افزوده بر نحوه اجرای آزمایشی آن تأثیرگذار است.

فراوانی پاسخ‌های دریافتی این فرضیه به شرح جدول ۱۵ می‌باشد.

نمودار فراوانی در این فرضیه به شرح نمودار ۸ می‌باشد. نمودار فراوانی بیانگر آن است که در حدود ۶۲/۳ درصد از پاسخ‌دهندگان از پاسخ‌دهندگان (۱۹۶ پاسخ از ۳۱۵ پاسخ دریافتی) موافق این موضوع هستند که آگاهی مؤدیان از سیستم مالیات بر ارزش افزوده بر نحوه اجرای آزمایشی این قانون تأثیرگذار است. لذا برای بررسی این موضوع از روش‌های آماری به نام آزمون میانگین استفاده می‌شود. نتایج آزمون t در جدول ۱۶ به صورت خلاصه ارائه شده است.

از آنجاکه اولاً مقادیر آماره t بدست آمده از مقادیر متناظر آن در جدول ($t_{\alpha=0.95}=1/96$) بزرگتر بوده و ثانیاً مقادیر P-Value محاسبه شده نیز کمتر از ۵ درصد سطح معناداری بوده لذا فرضیه سوم از لحاظ آماری تأیید می‌گردد یعنی آگاهی مؤدیان از سیستم مالیات بر ارزش افزوده بر نحوه اجرای آزمایشی این قانون تأثیرگذار است.

فرضیه فرعی چهارم: ایجاد زیرساخت‌های جدید برای

جدول ۹. خلاصه نتایج پرسشنامه در فرضیه فرعی پنجم

عامل	خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم	جمع
فراوانی	۳۸	۸۰	۱۱۱	۵۷	۲۹	۳۱۵
فراوانی نسبی	۱۲.۱٪	۲۵.۴٪	۳۵.۲٪	۱۸.۱٪	۹.۲٪	۱۰۰.۰٪

جدول ۱۰. خروجی آزمون تی استیودنت در فرضیه پنجم

نتیجه گیری	مقادیر آماره t استیودنت	درجه آزادی آماره	مقادیر P-Value
میانگین بیش از ۳ نمی‌باشد	۱/۷۴	۳۱۴	۰/۰۸

جدول ۱۱. خلاصه نتایج پرسشنامه در فرضیه فرعی اول

عامل	خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم	جمع
فراوانی	۷۵	۱۴۷	۷۵	۱۷	۱	۳۱۵
فراوانی نسبی	۲۳.۸٪	۴۶.۷٪	۲۳.۸٪	۵.۴٪	۰.۳٪	۱۰۰.۰٪

جدول ۱۲. خروجی آزمون تی استیودنت در فرضیه اول

نتیجه گیری	مقادیر آماره t استیودنت	درجه آزادی آماره	مقادیر P-Value
میانگین بیش از ۳ می‌باشد	۱۸/۰۸	۳۱۴	۰/۰۰

جدول ۱۳. خلاصه نتایج پرسشنامه در فرضیه فرعی دوم

عامل	خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم	جمع
فراوانی	۹۷	۱۲۷	۷۰	۱۸	۳	۳۱۵
فراوانی نسبی	۳۰.۸٪	۴۰.۳٪	۲۲.۲٪	۵.۷٪	۱.۰٪	۱۰۰.۰٪

جدول ۱۴. خروجی آزمون تی استیودنت در فرضیه دوم

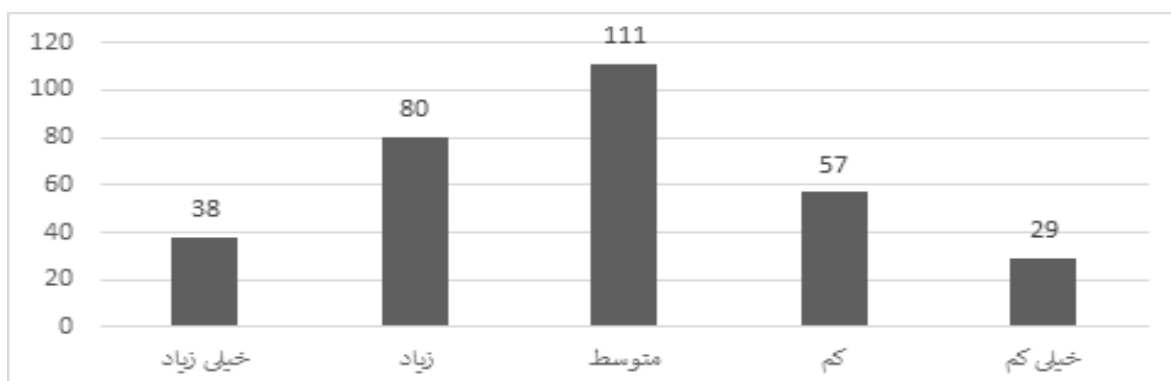
نتیجه گیری	مقادیر آماره t استیودنت	درجه آزادی آماره	مقادیر P-Value
میانگین بیش از ۳ می‌باشد	۱۸/۰۲	۳۱۴	۰/۰۰

جدول ۱۵. خلاصه نتایج پرسشنامه در فرضیه فرعی سوم

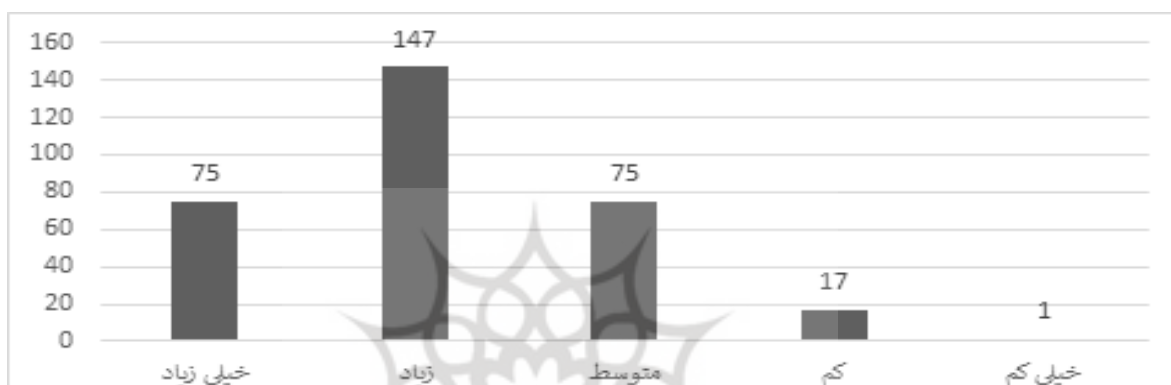
عامل	خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم	جمع
فراوانی	۹۰	۱۰۶	۸۲	۲۷	۱۰	۳۱۵
فراوانی نسبی	۲۸.۶٪	۳۳.۷٪	۲۶.۰٪	۸.۶٪	۳.۲٪	۱۰۰.۰٪

جدول ۱۶. خروجی آزمون تی استیودنت در فرضیه سوم

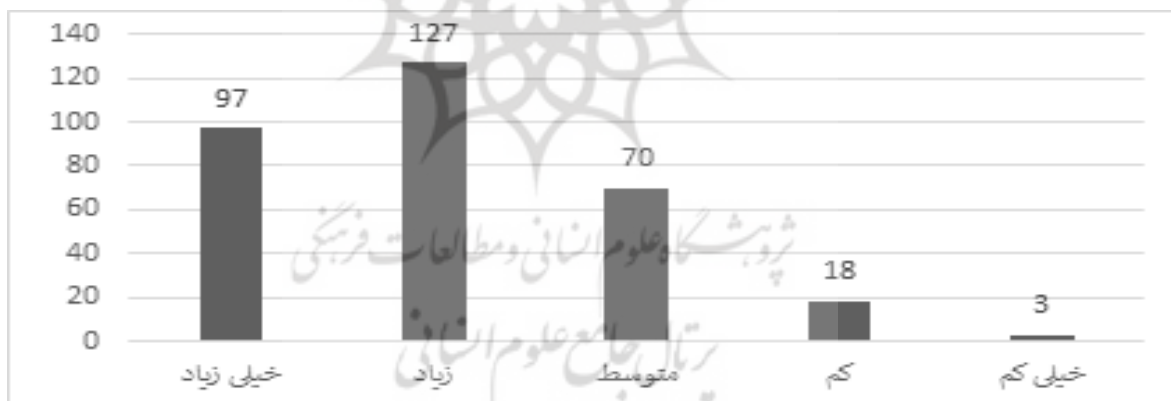
نتیجه گیری	مقادیر آماره t استیودنت	درجه آزادی آماره	مقادیر P-Value
میانگین بیش از ۳ می‌باشد	۱۲/۱۲	۳۱۴	۰/۰۰



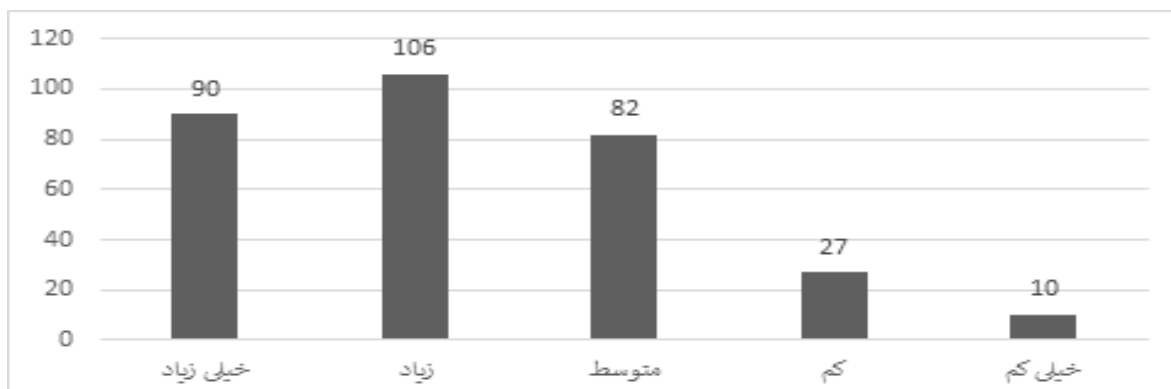
نمودار ۵. نمودار فراوانی فرضیه فرعی پنجم



نمودار ۶. نمودار فراوانی فرضیه فرعی اول



نمودار ۷. نمودار فراوانی فرضیه فرعی دوم



نمودار ۸. نمودار فراوانی فرضیه فرعی سوم

حاکمیتی دولت در هر کشوری است که طی سالیان مختلف از طریق سیستم‌ها و منطق‌های مختلف به‌وسیله دولت‌ها دریافت شده است. یکی از مالیات‌هایی که در طول قرن بیستم در بین کشورها رواج یافته است، مالیات بر ارزش افزوده است. این سیستم مالیاتی با تأکید بر کار یا فعالیتی که برای تولید و ارائه خدمات انجام می‌شود تلاش می‌کند که مالیات متناسب با تولید و خدمات ارائه شده اخذ گردد تا اولاً خدمات دولت متناسب با فعالیت‌های اقتصاد ارائه گردد و ثانیاً افرادی که در چرخه اقتصادی فعال هستند این مالیات را پرداخت نمایند. هدف پژوهش حاضر، بررسی تجربی پیامدهای اجرای آزمایشی قانون مالیات بر ارزش افزوده در نظام مالیاتی ایران می‌باشد. اطلاعات مورد نیاز برای انجام این پژوهش از طریق پرسشنامه‌هایی که بین ۱۰۵ نفر از کارکنان سازمان امور مالیاتی توزیع گردید، جمع‌آوری شد. نتایج حاصل از فرضیه‌های فرعی، اولین فرضیه اصلی پژوهش مؤید این است که اجرای قانون مالیات بر ارزش افزوده تا حدود زیادی بر عملکرد اقتصادی دولت تأثیرگذار است، به گونه‌ای که درآمدها دولت را افزایش می‌دهد و بر تورم نیز تأثیر مستقیم دارد اما نرخ رشد اقتصادی و تولید تحت تأثیر اجرای این قانون قرار نمی‌گیرند. همچنین نتایج حاصل از تأیید فرضیه‌های فرعی، دومین فرضیه اصلی پژوهش نیز نشان می‌دهد که چالش‌های پیش‌رو قانون مالیات بر ارزش افزوده نیز شامل آموزش کارکنان سازمان امور مالیاتی، درک قانون آن، آگاهی مؤدیان از سیستم آن، ایجاد زیرساخت‌های جدید برای اخذ مالیات و فرهنگ مالیاتی مؤدیان است.

با توجه به نتایج حاصل از پژوهش پیشنهاداتی به شرح ذیل ارائه می‌شود:

- با توجه به نتایج حاصل از فرضیه اصلی اول به سازمان امور مالیاتی پیشنهاد می‌گردد که بر افزایش کارایی قانون مالیات بر ارزش افزوده تأکید نمایند، زیرا اجرای این قانون موجب افزایش درآمدهای دولت گردیده است. همچنین با عنایت به این که اجرای این قانون موجب ایجاد تورم در اقتصاد گردیده است اجرای قانون مالیات بر ارزش افزوده با حساسیت‌های اقتصادی بالاتری مورد ارزیابی قرار گیرد و بر بهبود بهره‌وری قانون مالیات بر ارزش افزوده تأکید بیشتری نمایند.

- با توجه به نتایج حاصل از فرضیه اصلی دوم به سازمان امور مالیاتی پیشنهاد می‌گردد که در اجرای قانون مالیات بر ارزش افزوده بر آموزش کارکنان، افزایش درک و آگاهی و فرهنگ مالیاتی مؤدیان نسبت به قانون فوق تأکید بیشتری

اخذ مالیات بر نحوه اجرای آزمایشی قانون مالیات بر ارزش افزوده تأثیرگذار است.

فراوانی پاسخ‌های دریافتی این فرضیه به شرح جدول ۱۷ می‌باشد.

نمودار فراوانی در این فرضیه به شرح نمودار ۹ می‌باشد. نمودار فراوانی بیانگر آن است که در حدود ۷۰/۱ درصد از پاسخ دریافتی از پاسخ‌دهندگان (۲۲۱ پاسخ از ۳۱۵ پاسخ دریافتی) موافق این موضوع هستند که ایجاد زیرساخت‌های جدید برای اخذ مالیات بر نحوه اجرای آزمایشی قانون مالیات بر ارزش افزوده تأثیرگذار است. لذا برای بررسی این موضوع از روش‌های آماری به نام آزمون میانگین استفاده می‌شود. نتایج آزمون t در جدول ۱۸ به صورت خلاصه ارائه شده است.

از آنجا که اولاً مقادیر آماره t بدست آمده از مقادیر متناظر آن در جدول ($t_{\alpha=0.95}=1/96$) بزرگتر بوده و ثانیاً مقادیر P-Value محاسبه شده نیز کمتر از ۵ درصد سطح معناداری بوده لذا فرضیه چهارم از لحاظ آماری تأیید می‌گردد یعنی ایجاد زیرساخت‌های جدید برای اخذ مالیات بر نحوه اجرای آزمایشی قانون مالیات بر ارزش افزوده تأثیرگذار است.

فرضیه فرعی پنجم: فرهنگ مالیاتی مؤدیان بر نحوه اجرای آزمایشی قانون مالیات بر ارزش افزوده تأثیرگذار است. فراوانی پاسخ‌های دریافتی این فرضیه به شرح جدول ۱۹ می‌باشد.

نمودار فراوانی در این فرضیه به شرح نمودار ۱۰ می‌باشد. نمودار فراوانی بیانگر آن است که در حدود ۷۲/۰ درصد از پاسخ دریافتی از پاسخ‌دهندگان (۲۲۷ پاسخ از ۳۱۵ پاسخ دریافتی) موافق این موضوع هستند که فرهنگ مالیاتی مؤدیان بر نحوه اجرای آزمایشی قانون مالیات بر ارزش افزوده تأثیرگذار است. لذا برای بررسی این موضوع از روش‌های آماری به نام آزمون میانگین استفاده می‌شود. نتایج آزمون t در جدول ۲۰ به صورت خلاصه ارائه شده است.

از آنجا که اولاً مقادیر آماره t بدست آمده از مقادیر متناظر آن در جدول ($t_{\alpha=0.95}=1/96$) بزرگتر بوده و ثانیاً مقادیر P-Value محاسبه شده نیز کمتر از ۵ درصد سطح معناداری بوده لذا فرضیه پنجم از لحاظ آماری تأیید می‌گردد یعنی فرهنگ مالیاتی مؤدیان بر نحوه اجرای آزمایشی قانون مالیات بر ارزش افزوده تأثیرگذار است.

بحث و نتیجه‌گیری

مالیات یکی از مهم‌ترین منابع تأمین مالی هزینه‌های

جدول ۱۷. خلاصه نتایج پرسشنامه در فرضیه فرعی چهارم

عامل	خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم	جمع
فراوانی	۹۳	۱۲۸	۷۶	۱۶	۲	۳۱۵
فراوانی نسبی	۲۹.۵٪	۴۰.۶٪	۲۴.۱٪	۵.۱٪	۰.۶٪	۱۰۰.۰٪

جدول ۱۸. خروجی آزمون تی استیودنت در فرضیه فرعی چهارم

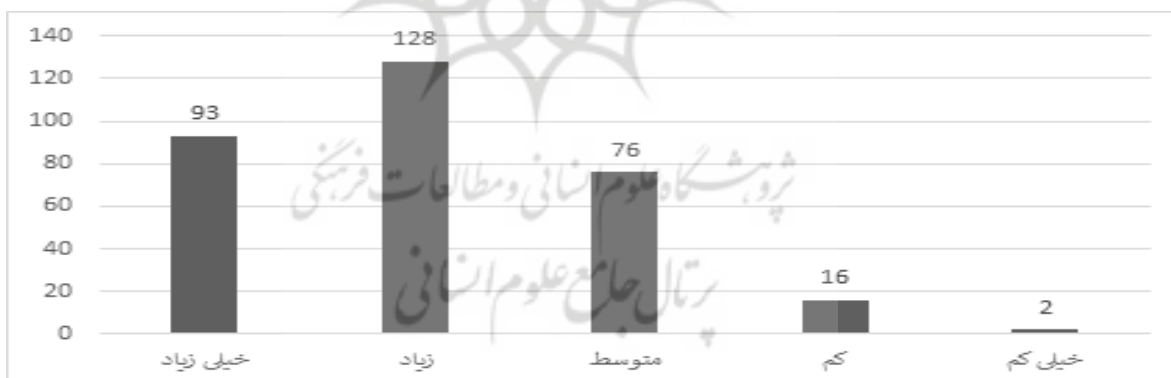
مقادیر آماره t استیودنت	درجه آزادی آماره	مقادیر P-Value	نتیجه گیری
۱۸/۰۹	۳۱۴	۰/۰۰	میانگین بیش از ۳ می باشد

جدول ۱۹. خلاصه نتایج پرسشنامه در فرضیه فرعی پنجم

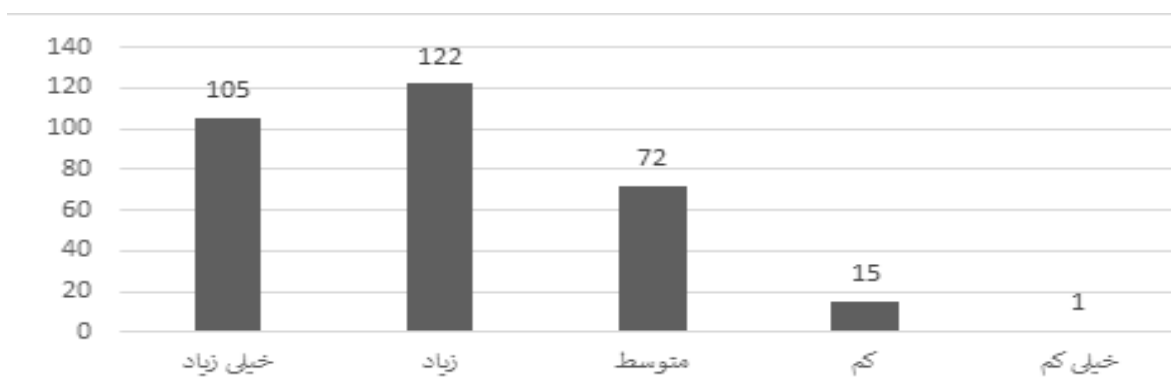
عامل	خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم	جمع
فراوانی	۱۰۵	۱۲۲	۷۲	۱۵	۱	۳۱۵
فراوانی نسبی	۳۳.۳٪	۳۸.۷٪	۲۲.۹٪	۴.۸٪	۰.۳٪	۱۰۰.۰٪

جدول ۲۰. خروجی آزمون تی استیودنت در فرضیه پنجم

مقادیر آماره t استیودنت	درجه آزادی آماره	مقادیر P-Value	نتیجه گیری
۱۸/۹۷	۳۱۴	۰۰/۰	میانگین بیش از ۳ می باشد



نمودار ۹. نمودار فراوانی فرضیه فرعی چهارم



نمودار ۱۰. نمودار فراوانی فرضیه فرعی پنجم

افزوده (مطالعه موردی: اداره کل مالیات بر ارزش افزوده استان تهران). پژوهشنامه مالیات، ۱۵ (۶۳)، ۳۷-۵۰.

• جنابی، شهرام؛ الماسی، مجتبی؛ امیری پریان، همزه. (۱۳۸۹). "بررسی عوامل مؤثر بر اثربخشی مالیات بر ارزش افزوده با رویکرد آموزش مؤدیان مالیاتی در استان کرمانشاه". پایان‌نامه کارشناسی/ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمانشاه.

• دهقان، احمد (۱۳۹۲)، "بررسی آثار مالیات بر ارزش افزوده بر درآمدهای دولت (مطالعه موردی: استان کهگیلویه و بویراحمد) در سال ۱۳۹۲". دومین همایش ملی بررسی راهکارهای ارتقای مباحث مدیریت، حسابداری و مهندسی صنایع در سازمان‌ها.

• رستم‌نژاد چراتی، مهدی؛ نبوی چاشمی، سیدعلی. (۱۳۹۳). "بررسی موانع اجرایی قانون مالیات بر ارزش افزوده در استان مازندران، مطالعه موردی: شهرستان‌های ساری و بابلسر". اولین کنفرانس اقتصاد و مدیریت کاربردی با رویکرد ملی.

• روزه، فیروز؛ خردوزی، بیژن؛ سلطان‌پناه، هیرش؛ حسنی، کاوه؛ طاهرخوئیانی، کیوان. (۱۳۹۳). "اثرات اجرای مالیات بر ارزش افزوده بر تورم در اقتصاد ایران در سال ۸۹". فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی (رشد و توسعه پایدار)، ۱۴ (۳)، ۹۳-۱۱۹.

• سعیدی، پرویز؛ نهتانی، حسین علی. (۱۳۹۰). "بررسی جایگزینی مالیات بر ارزش افزوده (VAT) به جای مالیات بر درآمد شرکت‌های تولیدی". فصلنامه جستارهای اقتصادی، ۱ (۱۵)، ۱۶۳-۱۳۹.

• کریم پور، زهرا؛ منوری، طاهره؛ عسگری، محمدرضا. (۱۳۹۲). "بررسی عوامل مؤثر بر استقرار نظام مالیات بر ارزش افزوده در زنجیره نهایی توزیع". اولین کنفرانس ملی حسابداری و مدیریت.

• عبدی، سعدی. (۱۳۹۲). "بررسی تأثیر اجرای قانون مالیات بر ارزش افزوده بر عملکرد شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران". دومین کنفرانس ملی حسابداری، مدیریت مالی و سرمایه‌گذاری.

- Bird, R.M. & Gendron, P.P. (2006). "Is VAT the Best Way to Impose a General Consumption Tax in Developing Countries". *International Tax Program, Rotman School of Management, University of Toronto*,
- Boeters, S. & Bohringer, C. (2005). "Economic Effects of VAT Reform in

نمایند، زیرا اجرای موفق این قانون بستگی به درک مؤدیان و کارشناسان امور مالیاتی دارد. همچنین پیشنهاد می‌گردد که در اجرای قانون بر ایجاد زیرساخت‌های جدید برای اخذ مالیات تأکید بیشتری نمایند، زیرا اجرای موفق این قانون منوط به ایجاد زیرساخت‌های جدید برای اخذ مالیات می‌باشد.

- با توجه به نتایج حاصل از فرضیه اصلی دوم به مؤدیان مالیاتی پیشنهاد می‌گردد که جهت اجرای موفق قانون مالیات بر ارزش افزوده در بنگاه خود از طریق برگزاری دوره‌های مقتضی، درک و آگاهی مسؤولان حسابداری و مالی خود را برای اجرای مؤثر قانون مالیات بر ارزش افزوده افزایش دهند. محدودیت‌های پژوهش حاضر را می‌توان به شرح زیر بیان نمود:

- نتایج حاصل از پژوهش حاضر حاصل تجزیه و تحلیل پاسخ‌های کارکنان سازمان امور مالیاتی تهران می‌باشد، لذا آثار ناشی از پژوهش حاضر در بین کارکنان سازمان‌های امور مالیاتی استان‌های مختلف و یا در بین مؤدیان مالیاتی ممکن است با نتایج بدست آمده از این پژوهش مغایرت داشته باشد؛

- با توجه به اینکه سؤالات طراحی شده برای پاسخگویی به فرضیه‌ها می‌باشد، لذا این سؤالات بر اساس فرضیه‌ها و جهت پاسخگویی به آن‌ها ارائه گردیده‌اند که عدم آگاهی و شناخت صحیح کارکنان نسبت به متغیرهای مورد بررسی در این پژوهش (که در سؤالات به آن‌ها اشاره گردیده) باعث می‌گردد که نتایج مطابق با نظریات کارکنان نباشد؛

- عدم آگاهی پاسخ‌دهندگان به پاره‌ای از واژگان و مفاهیم؛

- تمایل پاسخ‌دهندگان به ارزیابی بیش از واقع از سؤالات به دلیل تعصبات سازمانی.

منابع

- اسدزاده، احمد؛ تسلیمی بابل، امین؛ جلیلی، بتول. (۱۳۹۳). "بررسی اثرات تورمی و توزیعی مالیات بر ارزش افزوده بر بخش‌های مختلف اقتصادی ایران". پژوهشنامه مالیات، ۲۴ (۷۲)، ۱۳۵-۱۳۵.
- الماسی، حسن؛ مرجانی، امیربابک؛ قریشی، راهله. (۱۳۹۱). "عوامل سازمانی مؤثر بر فرار از مالیات بر ارزش

Germany". *Thiess Büttner and Margit Kraus*, <ftp://ftp.zew.de/pub/zew-docs/dp/dp06030.pdf>.

- Charles, E. & McClure, Jr. (2005). "Coordinating State Sales Taxes with a Federal VAT: Opportunities, Risks

- and Challenges”. *Hoover Institution Stanford University*.
- Emmanuel, U.C. (2013). “The Effects of Value Added Tax (VAT) on the Economic Growth of Nigeria”. *Journal of Economics and Sustainable Development*, Vol.4, No.6, 190-202.
 - GillJet B.S. (2003). “The Nuts and Bolts Of Revenue Administration Reform, Washington DC”. *World Bank, Mimeo*.
 - Jalata, D.M. (2014). “The Role of Value Added Tax on Economic Growth”. *Small Business Economics*, 2(12), 156-161.
 - Keen, M. & Lockwood, B. (2010). “The Value Added Tax: Its Causes and Consequences”. *Journal of Development Economics*, Vol. 92, No. 2, 138-151.
 - Lambert , I.G. (1992). “Some Modern Principles of Taxation the 3rd Annual Convention of Political Economists”. *Rio de Janeiro, Brazil*.
 - Owolabi S.A. & Okwu A.T. (2011). “Empirical Evaluation of Contribution of Value Added Tax (VAT) to Development of Lagos State Economy”. *Middle Eastern, Finance and Economics, Euro Journals Publishing*.
 - Smith, A. (1999). “The Wealth of Nations quoted by Blaug Mark (1776) Economic Theory in Retrospect”. *Cambridge University Press, Cambridge*.

